

جوانان کمونیست ۹۵

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۳۰ خرداد ۱۳۸۲

۲۰ ژوئن ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



انقلابی زنانه! نامه هایی از خط مقدم

پویان از تهران

سلام آقای مدرسی

... یک دنیا ممنونم که نشریه سازمانتان را برای من فرستادید، می خواهم اگر برایتان امکان دارد شماره های جدیدش را وقتی منتشر میشود برابم بفرستید (بینهایت ممنونم). من ساکن تهران هستم و دانشجوی رشته ... دانشگاه ... هستم. باید مرا ببخشید که نمیتوانم برایتان فرم عضویت با آدرس و تلفن بفرستم چون پدرم .. است و خانه ما تقریباً حکومت نظامی برقرار است.

من دو روز آخر (۲۴ و ۲۵) را نتوانستم تظاهرات بروم چون پایم باننازه یک وجب پاره شده و به سختی راه میروم... ولی روز جمعه ۲۳ که با یکی از دوستان سکولارم رفته بودیم امیرآباد اوضاع از این قرار بود:

اولین چیزی که خیلی تو چشم میامد شرکت دخترها و زنهای جوان در حد ۱۴، ۱۵ ساله تو تظاهرات بود، شاید دو برابر مردها. دومین چیز عدم انسجام مردم بود. میشود گفت اگر تمام کسانی که به قصد اعتراض آمده بودند جمع میشدند دور هم حدود ۱۰ هزار نفر میشدند. بعنوان مثال ما چون از داخل پارک لاله به سمت امیرآباد رفتیم از پایین تا بالای پارک تقریباً ۲۰ نفر از ما پرسیدند «بچه ها امشب خبرهایی است؟» یک زن مسن که روی لبه حوض نشسته بود وقتی از من این سوال را پرسید و من بهش گفتم ما داریم میریم ببینیم خبری است یا نه ، با شادی وصف نشدنی پرید و مرا بغل کرد و گفت برید و خامنه ای را آتیش بزنید. نکته دیگه این بود که نیروی انتظامی تمام تلاش خودش را کرده بود که مردم به دانشجویان نپیوندند. مثلاً با مستقر کردن اتوبوس و گذاشتن سرباز و قرار دادن حصارهای فلزی چند لایه توی کوچه های اطراف کوی، بطوری که ما موفق نشدیم ساختمانهای کوی را هم ببینیم. نکته خیلی جالب تشکیل اولین هسته های مقاومت بین تظاهرکننده

میرسد نقطه شروع خوبی است. باید محلات را از کنترل و نظارت رژیم خارج کرد و قوانین فوری انقلاب، لغو حجاب اجباری، آزادی بیان و اندیشه، و حاکمیت بلاواسطه و شورایی مردم را تا هر حد که امکان دارد برقرار ساخت.

— باید در حمایت از تظاهرات ها اعتصاب عمومی بر پا کرد. کارگران و بویژه کارگران نفت باید با سلاح خود (اعتصاب) و برای به پیش راندن انقلاب و شکل گیری یک قنوت انقلابی سراسری پا به میدان بگذارند.



کارشان تمام است!؟

لباس شخصی) به مردم بوده است. زد و خورد های شدید در تهران و اصفهان و کرمان گزارش شده است. خبر از کشته شدن جوانانی در تهران و اصفهان و شیراز هست. اما همه چیز حکایت از آن دارد که روحیه اعتراضی بسیار بالاست. نبرد نهایی با جمهوری اسلامی فرا میرسد.

— باید تظاهرات را چنان وسعت داد، چنان جمعیتی به خیابانها آورد که دستگاه سرکوب رژیم قادر به مقابله نباشد. این تا حدود زیادی جلو رفته است. اما باید توازن قوا را کاملاً به زیان رژیم بر هم زد.

— مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری شعارهای کلیدی امروزند.

— باید حاکمیت جمهوری اسلامی را عملاً سلب کرد. محلات به نظر

تظاهرات ها ادامه دارد و گسترش می یابد. تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، کرمان، یزد، رشت، همدان، کرمانشاه، بهشهر، کرج، خرم آباد، سبزوار و غیره شاهد گسترش موج نوین و انقلابی است که علیه جمهوری اسلامی برخاسته است. در هر شهر نیز تظاهرات به نقاط مختلف شهر و بویژه محلات کارگری گسترش می یابد. اصفهان و بهشهر نمونه های برجسته این روند اند. از آنسو جمهوری اسلامی تا این لحظه تصمیم گرفته است که مقاومت کند. گزارشات پنجشنبه حاکی از موج نوینی از محلات نیروهای رژیم (چه در ینیفورم و چه

زنده باد انقلاب
زنده باد آزادی و برابری

زنده باد انقلاب
زنده باد آزادی و برابری

زنده باد انقلاب زنده باد آزادی و برابری

تظاهرات ها ادامه دارد و گسترش می یابد. تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، کرمان، یزد، رشت، همدان، کرمانشاه، بهشهر، کرج، خرم آباد، سبزوار و غیره شاهد گسترش موج نوین و انقلابی است که علیه جمهوری اسلامی برخاسته است. در هر شهر نیز تظاهرات به نقاط مختلف شهر و بویژه محلات کارگری گسترش می یابد. اصفهان و بهشهر نمونه های برجسته این روند اند. از آنسو جمهوری اسلامی تا این لحظه تصمیم گرفته است که مقاومت کند. گزارشات پنجشنبه حاکی از موج نوینی از محلات نیروهای رژیم (چه در ینیفورم و چه



محلات را آزاد کنید!

جوانان کمونیست: به نظر شما این تحولات به کجا میرود؟ ارزیابی شما چیست؟

بهرام مدرسی: سرنگونی جمهوری اسلامی. این جنگ آخر مردم و جوانان با رژیم اسلامی است. دیگر نه دوم خرداد و نه رئیس جمهور گریانی در کار است. جوانان دیگر برای اعلام خواستههایشان احتیاجی به استفاده از بسته شدن این یا آن روزنامه ندارند. این دیگر رودررویی مستقیم مردم با رژیم اسلامی است. یا رژیم میزند و سرکوب میکند، یا مردم این توحش اسلامی را پایان خواهند داد.

رژیم اسلامی به نظر من اسلحه به اندازه کافی دارد ولی توان سرکوب را ندارد. مردم جری تر از آنی هستند که به این راحتی بشود سرکوبشان کرد و صفوف خود رژیم و نیروهای نظامی و امنیتی اش سستتر از آنست که بتواند مقابل مردم عرض انعامی کند. بنابراین آینده میتواند و باید سرنگونی رژیم اسلامی با تمام دم و دستگاهش باشد. این روندی است که آغاز شده است.

اگر بخواهم از خصوصیات اعتراضات اخیر گفته باشم باید به رادیکالیسم اشاره کنم. دانشجویان تهران از همان ابتدا با دستگیری تعدادی از لباس شخصی ها و جواب حمله نیروهای رژیم را با حمله متقابل دادن، راه را به بقیه نشان دادند. موارد مشابهی در شهرهای دیگر هم بعد از این اتفاق افتاد میتوان به دهها نمونه اشاره کرد از اولتیماتوم دانشجویان مشهد برای آزادی فوری یکی از دانشجویان دستگیر شده (که بلافاصله از طرف رژیم آزاد شد) تا اخطار دانشجویان شیراز و تبریز به صفحه ۲

این شعار ما نیست، آخر ماجلی، ص ۲، از ۱۸ تیر تا ۲۱ خرداد، کلاه رزمجو، ص ۵
نامه ای از بغداد، عیسم شکور، ص ۴، یینار محمد و اکونومیست ص ۴، مرکز خبری
ص ۲، تظاهراتهای خارج کشور، ص ۴، انسانهای جدید، گفتارهای جدید، پاسخ به مزدک
توسی، ص ۲، کوروش مدرسی در پالتاک، ص ۲، اطلاعیه مراسم منصور حکمت، ص ۷
کمونیستها و اقتصاد دولتی، کامران جیلری، ص ۵، لینک: حقوق زن و ۷ متر عمامه

آزادی، برابری حکومت کارگری!

از صفحه ۸

محللات را آزاد کنید!

جمهور گریان. ما در تدارک این امر هستیم.

جوانان کمونیست: برای سازماندهی این اعتراضات چه فراخوانی دارید؟

بهرام مدرسی: دانشگاهها باید مرکز فعالیت کمونیستی باشند. من بارها گفته‌ام که دانشگاهها اساسا مراکز فعالیت کمونیستها بوده است نه نماز جماعت و تحکیم وحدت و انجمن اسلامی. این را باید پس گرفت. باید شعارها و مطالبات دانشجویان کمونیست کل فضای سیاسی دانشگاهها را در برگیرد. اینکه از طریق چه تشکل معینی، دانشگاه به دانشگاه متفاوت است. رفتاری محل باید تصمیم بگیرند، بهرحال به هر اسم و شکلی که باشد این تشکل دانشجویان کمونیست است. آنجا که به کل دانشجویان مربوط است، آنها باید ارگانهای عمومی خود را در دانشگاهها تشکیل دهند. این انجمن اسلامی و غیره نیست. ما به این بهر شورا میگوئیم، منتها تحت هر اسمی که باشد، هدف باید ایجاد ارگانهای وسیع و توده‌ای دانشجویان در هر دانشگاه باشد، ارگانهایی که در مورد از امورات دانشگاهشان تا آینده سیاسی ایران بحث میکنند و تصمیم میگیرند. دانشجویان کمونیست طبعاً در صف اول این ارگانها خواهند بود. همین در مورد مدارس هم صلق میکنند.

در محللات خیلی ساده باید رژیم اسلامی را بیرون کرد. محللات باید به مناطق آزاد از رژیم اسلامی و قوانینش و چاقوکنشانش تبدیل شوند. باید جرات نکنند که راحت به محلهای واحد شوند چه رسد به اینکه بخواهند کسی را دستگیر یا دختری را بخاطر نداشتن حجاب اسلامی آزار دهند.

بچه‌های محل باید متشکل شوند و ارگانهای همگانی محل را تشکیل دهند، همانطور که گفتیم ما به این ارگانها شورا میگوئیم اینها ارگانهای همه مردم محل است. اگر همین امروز امکان تشکیل این ارگانها را نداریم، این کار بچه‌های کمونیست محل است که خودشان در درجه اول متشکل شوند و مردم تا ترغیب کنند که این ارگانها بوجود آیند. همانطور که گفتیم باید چه از طریق این ارگانها و چه از طریق فعالیت مستقیم برویچه‌های کمونیست و آزادیخواه محل، محللات تبدیل به مناطق آزاد از ارتجاع اسلامی و سرکویگرانش شوند. باید جمع شویم و قرار و مدار تظاهرات را تعیین کنیم. پلاکاردها و شعارها را حاضر کنیم و با محللات دیگر تماس بگیریم و هماهنگ کنیم.

انتظار من از تمام جوانان و دانشجویان کمونیست این است که ضمن همه این اقدامات با سازمان جوانان کمونیست برای تضمین عملی مشترک، سراسری و هماهنگ تماس بگیرند. من تصورم این است که در اولین فرصتی که امکانش را داشته باشیم، دفاتر سازمان جوانان کمونیست در دانشگاهها و محللات تشکیل شوند و مرکزی برای کار رادیکال و انسانی، عمل متحد و مصمم شوند. روزهای آتی، روزهای شورانگیزی خواهند بود. باید به استقبالش رفت. ما کاملاً آمادیم.

مردم! این شعار ما نیست! آذر ماجدی



زنان و مردان مبارز و آزادیخواه! در بعضی از تظاهراتهای شهرهای مختلف و از جمله تهران، بعضی از تظاهرکنندگان برای جلب حمایت مردم شعار داده اند که: "زنها به ما پیوستند، بی غیرتانشستن!"

این شعار جنبش آزادیخواهانه مردم ایران را نمایندگی نمیکند. این شعار جنبش علیه جمهوری اسلامی، علیه عقب ماندگی های مذهبی، و جنبش علیه ارتجاع مذهبی حاکم را بیان نمیکند. این شعار ضد خصلت جنبشی است که شکل گرفته است و هر روز نیرومند تر و گسترده تر میشود. این شعار ما انسانهای آزادیخواه و برابری طلبی که این چنین قهرمانانه اختناق و سرکوب و جهل و نابرابری را هدف گرفته ایم، نیست. این شعار ما نیست. نه تنها خصلت جنبش اعتراضی جاری با چنین شعاری خوانانی ندارد، بلکه واقعیت مبارزات این روزهای تاریخی اخیر بر حکم دیگری دلالت دارد. زنان نه تنها فعالانه در مبارزات اخیر شرکت کرده اند، بلکه عموماً در جلوی صف این مبارزات قرار گرفته و پیشتاز بوده اند.

زنان انسانهای درجه دوم و ضعیفی نیستند که از مردان پیروی کنند و یا به آنها پیبوندند. این جنبش همتاقترب به مردان آزادیخواه تعلق دارد که به زنان. انسانهای آزادیخواه در ایران، صرفنظر از جنسیت، نژاد، و ملیت گردانندگان و راه برندگان این جنبش آزادیخواهانه اند. درود بر شما!

جنبش عظیم و تاریخسازي که شکل گرفته است میتواند و باید زن ستیزی را از صفحه جامعه پاک کند، میتواند و باید با مردسالاری تسویه حساب کند، میتواند و باید پرچم آزادی و برابری را در جامعه به اهتزاز درآورد. این خصلت اصلی و نیروی بالقوه جنبشی است که جهانیان درباره آن سخن میگویند.

ما، سازمان آزادی زن، از شما انسانهای آزادیخواه و مبارزی که هر روز حماسه ای جدید از مقاومت میافرینید، میخواهیم که چنین شعارهای عقب مانده، اسلامی و ارتجاعی را از صفوف خود طرد کنید. زنان و مردان آزادیخواه نباید اجازه دهند که چنین شعارهایی بر خواستها و خصلت این جنبش عظیم و پیشتاز سایه بیاندازد و بر آن رنگ عقب مانده و سنتی بزند.

زنده باد آزادی و برابری سازمان آزادی زن

۲۹ خرداد ۱۳۸۲ - ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳

مرکز خبری

سازمان جوانان کمونیست به منظور انتقال سریع اخبار اقدام به ایجاد مرکز خبری کرده است. از چند روز پیش اطلاعیه های خبری سازمان آخرین اخبار درافتی از ایران را منتشر میکند. این اخبار را میتوانید در سایت های سازمان و روزنه مشاهده کنید. همچنین در صورتی که عضو گروه یاهو جوانان کمونیست شوید، اخبار بلافاصله برای تمام اعضای گروه ارسال میشود.

از شما دعوت میکنیم تا با مرکز خبری سازمان جوانان همکاری کنید. اخباری را دریافت میکنید بلافاصله از طریق تلفن و یا ئی میل برای ما ارسال کنید. انتقال سریع اخبار یک امر مبارزاتی مهم و ایجاد شبکه های خبری یک اقدام موثر برای سازماندهی و هدایت اعتراضات است.

شماره تلفن تماس

با بهرام مدرسی

0049 174 944 02 01

آدرس ئی میل

bahram-modarresi@web.de

محللی است برای بحث های داغ. کتابخانه اتاق برخی آثار مارکسیستی را در اختیار شما قرار میدهد و گالری عکس آن نیز دیدنی است. به اتاق ما بیایید. آدرس:

<http://groups.yahoo.com/group/javananekomonist/>

جنبش مردم ایران در دور اخیر با بدور لاناختن حجاب و سوزاندن حجاب مشخص میشود. این یک واقعه مهم تاریخی است. زنان با رشادت و شهامت بی نظیری این پرچم سرکوب اسلامی را به آتش میکشند. این خصلت برجسته جنبش اعتراضی مردم است. شعارهای ما باید این خصلت آزادیخواهانه، مدرن و پیشرو را منعکس کند.

این خیزش مردم کرمانشاه است که مرگ بر رژیم را به خاطر زن ستیز بودنش فریاد میکنند، خیزش مردم فردیس کرج است، امیرآباد تهران است که حجاب را به آتش میکشند، خیزش همبستگی و اتحاد آزادیخواهانه است. خیزش برجین بساط آپارتاید جنسی و تبعیض جنسی است.

این شعار، فقط احساسات عقب مانده و ضد زن را تحریک میکند. بر مبنای ضدیت با زن، هیچ کسی نباید تحریک و تهییج شود. بر عکس، این خیزشی است علیه ستم بر زن!

برنامه های ویژه تلویزیون اترناسیونال

در تلویزیون ماهواره ای کانال ۱
از سه شنبه ۲۷ خرداد تا ۳ تیر - ۱۷ تا ۲۳ ژوئن هر روز
ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر بوقت تهران، ۳ بعد از ظهر بوقت آلمان و ۶ صبح بوقت لس آنجلس

تلویزیون اترناسیونال
۲۷ خرداد ۱۳۸۲، ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳

گفتگو با کورش مدرسی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران



در اتاق: ایران - سازمان جوانان کمونیست

موضوع: سازمان جوانان کمونیست و اعتراضات اخیر در ایران
زمان: جمعه ۲۷ جون، ۶ تیر ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی و ۲۱:۳۰ به وقت ایران
مسئول اتاق سازمان جوانان کمونیست
لیلا روشن ضمیر

اتاق جوانان کمونیست یاهو گرم و گیراست:

همین سه هفته پیش بود که گفتیم اعضای اتاق جوانان کمونیست در یاهو حدود ۸۰ نفر است. اکنون تعداد اعضا بالای ۱۲۰ نفر است. شتاب گسترش اتاق تحت تاثیر تحولات اخیر بالا رفته

انسانهای جدید با گفتارهای جدید!

کمونیستها و تصرف قدرت سیاسی

در پاسخ به مزدک توسی مصطفی صابر



دوست عزیز مزدک توسی دو نامه نوشته اند:

نامه اول: با سلام به آقای صابر. نشریه (شماره ۹۴) را تا حدودی مطالعه کردم اما در خصوص یکی از انتقادات شما خواستم مطلبی را عرض کنم. در مورد انتقاد به سرود ای ایران که شما مورد نقد قرار داده اید. من نمی دانم چه لزومی است که حتی سرود هم مورد نقد قرار گیرد؟؟ سرودی که مردم (بصورت افرادی معترض) از آن برای همدلی استفاده میکنند. میدانید که با خواندن این نقد به این فکر کردم که اگر کمونیستها روی کار بیایند بدون شک بازهم حکومت آنها تبدیل به یک حکومت دیکتاتوری میشود. به نظر من ما فقط باید مردم را آگاه کنیم و اگر بخواهیم حکومت کنیم باید اصول کمونیستی را اجرا کنیم و در این صورت باید متوسل به زور شد. چون، به فرض، کندن ریشه های مذهبی از این ملت کار ساده ای نیست و با اعمال زور ممکن نیست یا موارد دیگر که بخواهند مورد نقد قرار گیرد و اعمال شود در حالیکه مردم متوسط قادر به فهم آن نیستند.

پس باید فهم مساله در مردم (منظور توده مردم نه یک قشر خاص) باشد. حال ما با نقد همه موارد زندگی از قبیل مساله میهنی و غیره آیا به دنبال یک جامعه بی احساس هستیم که انسان فقط برابر است و تمام؟ لطفا در این مورد و همچنین این سوال که در مقاله شما هم بود توضیح ذکر کنید. سوال این بود: آیا ایران بار دیگر باید بوته آزمایش حزب شما شود که آیا نتیجه بدی یا نه؟؟؟؟؟؟ مرسی آقای صابر و بای.

نامه دوم: سلام و به امید سلامتی! خواستم در باره عملی بودن انتقادات شما در خصوص سرود ای ایران نکاتی را بگویم. من میخواهم کلمه خداحافظ رو نقد کنم. چرا که این کلمه باز هم به مساله خدا و دین دامن میزند و خدا را باز هم در بالای سرمان قرار میدهد. پس این کلمه هم به نوعی مذهبی است. اما آیا عملی است که ما این کلمه را از زبان مردم حذف کنیم؟؟؟؟؟ مسلما غیر ممکن است. پس باید مردمانی جدید با گفتاری جدید ایجاد کرد؟ اما لزوم وجود چپ در جامعه انکار ناپذیر است اما نه با تعصب قدرت. با تشکر بای.

مزدک عزیز، خیلی ممنون. شما نسل ۲۰ ساله های ایران صریح و شفاف هستید. از این لحاظ فی الحال شما «مردمان جدید با گفتار جدید» هستید. اما برویم سر اصل موضوع:

۱. آیا نقد یک سرود که در اعتراض به جمهوری اسلامی و برای همدلی مردم است، لازم بود یا هست؟ و من اضافه میکنم: آیا نقد آن نمی تواند به این اعتراض لطمه بزند؟

یک مثال بزنم. شما حتما شنیده اید شعاری که مردم در اواخر اعتراضات و تظاهرات های علیه شاه میدادند، (زمانی که خمینی و بازگان بکمک تبلیغات و حمایت غرب رهبری خود را بر جنبش انقلابی ۵۷ به درجات تامین کرده بودند)، شعار الله و اکبر بود. آنوقت حقیقتا میلیونها نفر شبها می رفتند پشت بام و داد میزدند الله و اکبر! اگر شما را در ماشین زمان میگذارم شما ۲۵ سال به عقب میبریم می گفتید این مردم مگر عقل شان را از دست داده اند؟ اما باور کنید از آن الله و اکبر گویان چه بسی خیلی هایشان خودشان را چپ میدانستند! اما خودشان و بقیه را اینطور توجیه میکردند که امروز الله و اکبر یعنی مرگ بر شاه. حقیقتا هم برای اکثریت عظیم مردم، شعار الله و اکبر معنی جز مرگ بر شاه نداشت. بر خلاف ادعای خمینی و اسلامیت ها و خیل عظیم کسانی که فکر میکنند مردم ایران یک زمانی در تاریخ به اسلام و اسلامیت قسم خورده اند و آنرا بطور ژنتیک به نسل های بعد انتقال میدهند، مردم اسلامی نبودند و نیستند. آنوقت مردم نمی دانستند که چند ماه بعد اسلامیت ها (و امثال اکبر گنجی ها و طبرزدی های امروز) با شعار الله اکبر بصورت آنها تیغ میکشند، بی حجابها را کتک میزنند، الله اکبر گویان اعتصاب کارگران را در هم میشکند، دانشگاهها را به خون میکشند و خلاصه می کشند و میگیرند. متأسفانه حرف امثال ما آنوقت برد زیادی نداشت. بعد از سالها، آن روز تلخ یاد می آید که به یک دوست دوران بچگی میگفتم شاه را باید بیندازیم ولی زیر علم خمینی نباید برویم و او میگفت: «در صفوف خلق تفرقه نینداز!» («مبارزه علیه شاه را تضعیف نکن»!!! تازه ما با هم بزرگ شد، با هم «چپ» شده بودیم و گرنه بدتر از اینش را به من میگفت.

سرود ای ایران البته بهیچ وجه برد الله و اکبر آنوقت را ندارد. اما بهر حال خطری است که باید اتفاقا آنرا همین الان تدارک داد. و گرنه بعدا دیر است. تا آنجا که به مبارزه علیه جمهوری

اسلامی برمیگردد اتفاقا سرود ای ایران این مبارزه را تضعیف میکند. چرا که این سرود به دو نیروی سیاسی خدمت میکند: اول ملی مذهبی ها، که شریک جمهوری اسلامی بوده و هنوز هم هستند. حداکثر یک سازش و مصالحه و برخی اصلاحات محدود، در حد مثلا قبول کردن امثال یزدی بعنوان وزیر و وکیل، میخواهند. دوم، امثال سلطنت طلب ها، که اینها هم میخواهند دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را حتی الامکان دست نخورده و از بالا و بکمک آمریکا تحویل بگیرند تا بعد آنرا تعمیر و تکمیل کنند و علیه مردم استفاده کنند. این سرود مال این نیروهاست و اینها واقعا نمی خواهند مردم ریشه های جمهوری اسلامی بیرون بکشند. بعلاوه این سرود همانطور که در شماره قبل گفته تفرقه می اندازد. صفوف مردم و اتحادشان علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری را خدشه دار میکند. ملیت و قومیت را برجسته میکند. سناریو سیاه و جنگ قومی را تقویت میکند.

۲. مزدک عزیز، شما با یک انتقاد از سرود ای ایران متقاعد شدید که حکومت کمونیستها درست دیکتاتوری است؟ فکر نمی کنید که اتفاقا لازمه برقراری همه جانبه آزادی ها سیاسی و «دیکتاتور نبودن» قبل از هر چیز در این است که هرکس در انتقاد به هر چیز، به خدا و پیر و پیغمبر و «مقدسات ملی» و غیره آزاد باشد؟ فکر نمی کنید این شما هستید که دارید جانب دیکتاتوری و استبداد سیاسی را (در این مورد معین) میگیرید؟ فکر نمی کنید که این بسنن کلمه زشت «دیکتاتور، دیکتاتور» به دنبال نام کمونیستها افتادن دنبال تبلیغات جنگ سردی و دامن زدن به تعصب ضد کمونیستی است که ۲۰۰ سال است دارند برای آن بیشترین هزینه ها را صرف میکنند؟

بهر حال، به نظر من هر کسی باید آزاد باشد هر سرودی دلش خواست بخواند. در عین حال هر کسی هم باید آزاد باشد از آن انتقاد کند. مردم هم به حرفها گوش میدهند و تصمیم میگیرند. خوشبختانه در این یک هفته که خبرها را از سایت های مختلف دنبال میکردم سرودی که مکرر دیدم خوانده میشد سه یار دستانای بود.

تاکید کنم که اکنون دوره اتحاد مردم حول سرنگونی جمهوری اسلامی و اتحاد مردم حول آزادی و برابری است. نباید اجازه داد که اختلاف بین مردمی که میخواهند سرود ای ایرانشان را بخوانند و آنها که نمی خواهند، شکافی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی پیش بیاورد. ما خودمان را مسئول حفظ همبستگی و اتحاد مردم میدانیم. ما با جمهوری اسلامی سر جنگ داریم ولی با دوستی که احيانا مایل است سرود ای ایران را بخواند بحث داریم. اما در بحث هایمان صریح و صادق هستیم.

۳. و بعد آن «حسن» شما به نظرم نکته خیلی مهمی است. انتقاد به آن

سرود «حسن» معینی را در شما بر انگیخت، کدام حس؟ جای دیگری در نامه تان گفته اید جامعه ای که در آن انسانها برابر باشند را بی احساس می دانید! (فاقد همان «حسن»؟) چرا فکر میکنید وقتی آدم ها برابر باشند احساسات خود را از دست میدهند؟ همه مشاهدات نشان میدهد وقتی آدمها دیگر مشغله تامین نیازهایشان را نداشته باشند اتفاقا احساساتی به مراتب عمیقتر و انسانی تر از خود نشان میدهند. بعلاوه نتیجه سلبی نکته شما اینست که هرچه انسانها نابرابر تر و بیشتر در جنگ و جدال باشند و برای دفاع از زمین و خانه خود در قبال قبیله و قوم و کشور متجاوز بغلی «پر احساس» باشند و به نام مقدرات ملی و منافع عالیه میهن خویش به جان هم بیفتند، خوشبخت تر خواهند بود؟ فکر نمی کنید اتفاقا در مورد این «حسن» عجیب و غریب باید تجدید نظر کرد؟

۴. اینکه کمونیستها باید آگاه کنند و حکومت نکنند، البته بحث دیرینه ای است. نتیجه عملی اش اینست که کمونیستها همیشه اپوزیسیون باشند، همیشه زنان بشوند و تیرباران بشوند تا یک دو سه هزار سال دیگری شاید خود انسانها آگاه بشوند. منصور حکمت

خیلی خوب نشان داد که دهها سال است کاری کرده اند تا کمونیستها یاد بگیرند که همیشه یک گوشه ای نقش اپوزیسیون را ایفاء کنند و تصرف قدرت را یک گناه و حريم ممنوعه برای خود بدانند. یاد بگیرند که تو سری خور باشند و حداکثر جناح چپ بورژوازی باشند. مواظب باشند حرفشان را نصفه نیمه بزنند که میادا بهشان بگویند «آی دیکتاتورها آمدند» طی دهها سال کمونیستها یا این بوده اند و یا چنان بیربط و منزوی از جامعه که کسی تحویل شان نمی گرفته است. این نوع کمونیستها، را ما قبول نداریم و فی الواقع هم ربطی به کمونیسم ندارند. ما میخواهیم این درک از کمونیسم و اینگونه تلقی کمونیستها از خودشان را تغییر بدهیم. ما میخواهیم کمونیستهایی باشیم که هم حرفمان را روشن و تا به آخر میزنیم و هم محبوب و توده ای باشیم. ما میخواهیم کمونیستهایی باشیم که جهان را واقعا تغییر میدهند. ما نقش اپوزیسیون مادام العمر برای خود تعریف نکرده ایم.

حکومت مهمترین ابزار تغییر جامعه و آگاه کردن مردم است. آگاهی یک پدیده اجتماعی است و دولت ها بیشترین نقش را در دفاع از فرهنگ کهنه و یا تقویت و شکل دهی به فرهنگ نوین و خلاصه تغییر عادات و رفتار فکری افراد جامعه دارند. اتفاقا در اولین فرصت و هرچه زودتر باید حکومت را بدست گرفت تا آگاهی را گسترش داد.

اما حکومت کمونیستها، حکومت یک کابینه کمونیستی، چند وزیر کمونیست نیست. در جمهوری سوسیالیستی که ما برای آن تلاش میکنیم همه مردم از طریق شوراهایشان مستقیما در حکومت دخیل هستند. اصلا خود حکومت

هستند. زور و استبداد در چنین حکومتی کمتر از هر حکومت دیگری که بشر شناخته لازم می آید. چنین حکومتی رفته رفته و با محو طبقات و تضاد طبقاتی اصولا هر گونه خصلت آمرانه میکیند وقتی آدم ها برابر باشند انسانها را از بین میبرد. به عبارت دیگر پایان دادن به هر نوع دیکتاتوری و دولت به مفهوم هیچ کلمه کار جنبش ماست. بنا بر با اولین تبلیغات جنگ سردی، آنهم از سوی کسانی که خودشان وحشیانه ترین دیکتاتوری ها را بر پا کرده و یا از آن حمایت کرده اند، کوتاه نیاید.

اگر برنامه ما را بخوانید متوجه خواهید شد که ما نه فقط مدافع آزادی و بی قید و شرط عقیده و بیان هستیم که مخالف سرسخت هرگونه زمامتی سیاسی، و خواهان لغو اعلام و شکنجه هستیم، بلکه هزار بار عمیق تر و همه جانبه تر از هر نیروی مدعی آزادیخواهی، هرگونه روش و شیوه ای که به استبداد سیاسی بینجامد را از پیش محکوم کرده ایم و راههای جلوگیری از آن را نشان داده ایم. هم اکنون ما و برنامه چنان فشاری بر تمام نیروهای سیاسی است که آنها را مجبور میکند در حرف هم که شده برخی شعارهای ما را تکرار کنند.

۵. در مورد کلمه خداحافظ بعدا صحبت میکنم چون ربط چندانی به مذهب ندارد. اما تاکید کنم که ما دو مساله را خیلی روشن از هم جدا کرده ایم. یکی مذهب و دیگری حکومت مذهبی. هم اکنون ما خواهان ریشه ای ترین اقدامات برای الغاء حکومت مذهبی و دخالت مذهب بعنوان دولت، قرار دادن آن بعنوان منشاء قانون و دادن امتیازات ویژه به آن هستیم. برنامه ما در جزئیات همه این موارد را توضیح داده است. اما تا آنجا که به خود مذهب بر میگردد، ما توهمی نداریم که از بین بردن مذهب یک امر طولانی است و راستش تا جامعه نا امن و نابرابر سرمایه داری هست مذهب را هم تولید میکند. ما البته با مذهب مبارزه فرهنگی میکنیم. ما میگوئیم به مردم نشان دهیم که جمهوری اسلامی یک اتفاق نیست، یک برداشت «احرافی» از اسلام نیست. همه انواع برداشت ها از اسلام و مذهب ضد بشر است. به این دلیل ساده که فرض هر مذهبی، اینست که انسان بنده خداست! اما، و این اما مهم است. در مورد خود مذهب شعار ما اتفاقا اینست: آزادی مذهب و لامذهبی! و اینکه مذهب امر خصوصی انسانهاست.

۶. کلمه خداحافظ البته الان دارد در بین خیلی از جوانها ور می افتد. کلمات انگلیسی و ترکیب های دیگری جای آنرا میگیرد. ولی به نظرم اینکه فکر کنیم کلمه خداحافظ مذهبی است، قاطی کردن مذهب با فرهنگ است. فرهنگ مقوله بسیار پیچیده تری از مذهب و همینطور از ناسیونالیسم است. مثلا در فرهنگ ایرانی ها، هر سال اول

از صفحه ۳

انسانهای جدید

بهار را جشن میگیرند و اسم آنرا نوروز میگذارند. خوب این یک جشن است و خیلی هم میتواند با صفا و با حال باشد. اما اگر آنرا به ناسیونالیسم ببینیم و بکشیم حول آن تبلیغات ناسیونالیستی بکنیم که نوروز یعنی «چو ایران نباشد تن من مباد» و از این قبیل، آنوقت باید ناسیونالیسم را افشاء کرد و جشن و شادی و نوروز و فرهنگ را از زیر چنگال آن نجات داد. خداحافظ هم هر سابقه و ریشه ای داشته باشد اکنون معنی به امید دیدار، خوش بگذرد، تا دیدار بعد، و از این قبیل را میدهد. (و من شخصاً ترجیح میدهم از همین کلمات استفاده کنم ولی هیچ تعصبی هم نسبت به خداحافظ ندارم.) شما اگر بخواهید خداحافظ فارسی را به انگلیسی ترجمه کنید نمی گوید (GOD PROTECT YOU) بلکه به سادگی آنرا معادل کلمه (bye) میگذارید. فرهنگ ها البته تغییر میکنند. همین الان دارد یک فرهنگ جهانی بوجود می آید و فرهنگ های ملی و محلی را بشدت تغییر میدهد. (مثلاً

لباس، غذا، موسیقی، فیلم، نقاشی، ادبیات و خیلی رفتارهای اجتماعی دارد سرعت حالتی بین المللی میگیرد. البته بشر به فرهنگی نوین و بقول شما انسان های نوین با گفتار و افکار نوین احتیاج دارد. اما این محصول تحولات سیاسی و اقتصادی مهم و راستش جهانی است. تلاش امروز برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی سر کار آوردن پرچم آن باشد و قدرت واقعا بطور بلاواسطه در دست خود مردم و شوراهایشان باشد، تازه قدم اول در یک چنین راهی است.

۷. به نظر من قبل از اینکه ایران بوته آزمایش حزب ما باشد، این شرایط ایران است که چپ و شعارهایش و حزب ما را طلب میکنند. تنها شانس جامعه ایران برای پیروزی قطعی بر جمهوری اسلامی و محو تمام آن ارزش های ایدئولوژیکی، مناسبات سروکیرانه سیاسی و روابط ناعادالته اقتصادی ای که جمهوری اسلامی بر آن بنا شده است، ما هستیم. تنها شانس ایران برای اینکه از شر رژیم اسلامی رها شود و به دست مشتی سروکیر و استثمارگر دیگر نیفتد خود مردم متشکل و ما هستیم. در واقع مساله این است که آیا کمونیسم کارگری و حزبی قادر است آن نقش رادیکال، هوشمندانه، متحد کننده و رهبری کننده در تحولات ایران را ایفاء کند؟ به نظر مردمک شما و امثال شما باید اوضاع خطیر فعلی را دریابید، عادات «مردم کهن» را کنار بگذارید و «حرفهای جدید» را به صراحت و هوشیاری بزیند و به صفی بیپونید که ضرورت نقش فعال و در عین حال متین و رهبری کننده کمونیستها را دریافته و مصمم است و دارد آنرا عرضه میکند. بازهم تشکر و منتظر جوابت هستم. **با ارادت مصطفی صابر.**

نامه ای از بغداد عیسام شکور



هفته قبل نامه ای از عیسام شکور دریافت کردم که خواسته بود تا از تجارب نشریه جوانان کمونیست برای او بنویسم. عیسام شکور عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق است. او از بغداد نامه مینوشت. حزب کمونیست کارگری عراق میخواهد سازمان جوانان کمونیست تشکیل دهد و نشریه ای برای جوانان منتشر کند. احساس غریبی به من دست داد. خبر موفقیت هایی از حزب عراق را شنیده بودم. بخصوص موفقیت های آنها در متشکل کردن کارگران نفت و تشکیل اتحادیه بیکاران با هزاران عضو، موفقیت هایشان در بازگشایی دفاتر حزب در شهرهای مختلف عراق، در بغداد، ناصریه، موصل، و غیره. این موفقیت ها آنقدر هست که برای مثال کسی مثل «ینار محمد» که مشغول

ایجاد یک سازمان زنان هست در رسانه های بین المللی مطرح است. و حتی اکنون موفقیت (به مقاله «جنگ ریش ها») در همین شماره رجوع کنید) دارد ضمن طعنه و نیش (مثلاً مقایسه ریش مارکس و ملاحا) به ما این سوال را مطرح میکند که آیا کمونیستهای کارگری میتوانند جلوی موج اسلامی را در عراق بگیرند. با اینهمه تصور اینکه نشریه ما و تجربه سازمان جوانان کمونیست در ایران بتواند کمک برای متشکل کردن جوانان کمونیست در عراق باشد،



ینار محمد و اکنونیست!

از نشریه اکنونیست (۱۲ ژوئن ۲۰۰۳)

جنگ ریش ها

شماری کمونیستهای عراقی جزو آنها هستند که جرات ایستادن جلوی آیت الله ها را دارند

زن) وابسته به حزب کمونیست کارگری در حالیکه یکی از زنانی را که به تازه به بریگاد سر برهنگان پیوسته بغل میکنند، میگوید «تبریک میگویی». در اتاقی در طبقه پایین بانک، کادریهای حزب برای بازگشت به محله الشوره- حلبی آباد شعله نشین حاشیه بغداد، که زمانی مرکز فعالیت اصلی کمونیستها بوده و امروز به سرپلی برای حاکمیت اسلامی تبدیل شده - نقشه می‌ریزند. یک رفیق با صورتی پشمالو پیشنهاد می‌کند که برای هر مشروب فروشی و یا سینما که آتش زده می‌شود، آنها هم یک مسجد را با کوکتل مولوتف بزنند. جنگ ریش ها ۴۵ سال سابقه دارد. در ۱۹۵۸، در تغییر رژیم

تظاهرات های سازمان جوانان در خارج

روز شنبه ۱۴ ژوئن، روز سه شنبه ۱۷ ژوئن و روز چهارشنبه ۱۸ ژوئن در شهرهای کپنهاک، استکهلم، مالمو و فرانکفورت اعضای سازمان جوانان کمونیست با شرکت در تظاهرات هایی که از طرف حزب کمونیست کارگری اعلام شده بود، حمایت خود را از

حس دلپذیری را در من ایجاد کرد. این که در عراق مصیبت زده، صدام زده، اسلام زده، نابود شده زیر ضربات جنگ نظم نوینی آمریکا و محاصره های اقتصادی کمونیستهایی مثل عیسام و ینار و موید و سمیر و دیگران مشغول ساختن دنیای دیگر هستند، حس غرور و همسرنوشتی هر انسانی را بر می انگیزد. از اینکه با جریان کمونیسم کارگری هستم به خود بالیدم. بلافاصله به او جواب دادم، قلدی در باره رشد سریع سازمان جوانان کمونیست و استقبالی که از نشریه ما صورت میگیرد نوشته و تاکید کردم که با کمال میل تا آنجا که مشکل ارتباط اجازه دهد تجارب خود را منتقل خواهیم کرد. (متأسفانه نه من عربی بلدم و نه عیسام فارسی و در نتیجه مجبوریم به انگلیسی مکاتبه کنیم) همچنین از او خواستم قلدی از اوضاع بنویسید. نامه دوم او چنین است:

منمون بابت جواب. خوشحالم که جوانان کمونیست در ایران پیشرفت میکنند. در بغداد هم وضع بسرعت پیش میرود. هر روز چندین عضو تازه به حزب ما می پیوندند که خیلی هاشان از جوانان (regime change) که سلطنت را بیرون کرد، مارکس و نه ملاحا، مرجع تقلید شیعیان عراق بود. آیت الله ها تلاش کردند و جنگیدند که جایی پیدا کنند، اما موفقیتی نیافتند. امروز شکست سیاست تغییر رژیم آمریکا برای اعمال نظم در این کشور... باعث شده است که زنان جای امنی جز زیر چادر نداشته باشند، به اعمال خود جداسازی رانده شوند، و راه را برای فعالین اسلامی برای بزور اعمال کردن قوانین پدر سالارانه هموار کرده است. اینان دختران را از مدارس بیرون می‌کشند، زنان را به کنج خانه می‌رانند تا حتی که خرید خانه به مردان واگذار شده است. جشن های عروسی و کافه ها را قبل از تازیک شدن هوا می‌بندند. الشوره همچون یکی از محلات جنوب شهر تهران اکنون در حجابی تنگ پیچیده شده است.

آیا کمونیستها میتوانند فضا را عوض کنند؟ جوانان دیگر نمی‌خواهند به آنها دیکته شود که چه فیلمی را می‌توانند و یا نمی‌توانند نگاه کنند. زنان خواهان برابری حقوقی در ارث و ملغی شدن قوانین مربوط به جرائم ناموسی هستند. خواهان این هستند که قوانین ممنوعیت خروج زنان بدون قیم مرد ملغی شود. در کافه های بغداد که هنرمندان و نویسندگان رفت و آمد می‌کنند، صحبت از عکس العمل

آزادی اندیشه با مقننه نمیشه، زندانی سیاسی آزاد باید گردد و همچنین مرگ بر این حکومت زن ستیز بود. خارج کشور در روزهای آینده صحنه مبارزات پرشور مردم و بویژه جوانان کمونیست خواهد بود که به اشکال مختلف برای پشتیبانی از مبارزات سرنگونی طلبانه جوانان در ایران به میدان خواهند آمد. از جمله در شهرهای مختلف سوئد، کانادا، هلند، دانمارک و آلمان. این اعتراضات روز به روز

هستند. کسانی که مشتاق و علاقمند به حرفها و اصول ما هستند. فضای منهدی در بین جوانان بغدادی عمومیت دارد. اما وقتی که حرف ما را میشنوند فوراً تغییر میکنند. بغداد من حیث المجموع شهر مدرنی است اما (فعلاً) در هرج و مرج کامل و درهم برهم است. مردم برای بقاء تلاش میکنند و بیکاری بیداد میکند. اسلامیست ها آنقدرها که میگویند قدرتمند نیستند. اما در بخش هایی از بغداد نفوذ دارند. هر جا که بتوانند تلاش میکنند که آزادی های انسانی را مورد حمله قرار دهند و مثلاً به مدارس میریزند تا دختران کوچولو را به پوشیدن حجاب وادار کنند. آنها یک مجسمه متعلق به جنبش کارگری را نابود کرده اند و کله یکی از امام های خود را جای آن قرار داده اند. بهر حال ما مصمم هستیم تا جوانان را بسپج کنیم و حرفها و ادبیات خودمان را رواج دهیم. چیزی شبیه به نشریه جوانان کمونیست احتمالاً مناسب حال ما نیز باشد. پیشرفت ما پیشرفت شماس و بالعکس. میکوشم تا آنجا که ممکن است گزارشاتی از بغداد بفرستم. بهترین آرزوها، عیسام.

سیاسی نسبت به این اوضاع است. یکی از هنرمندان که یک بطری ویسکی زیر پیراهنش دارد، می‌گوید: «ما نمی‌خواهیم یک سیستم خودکامه را با یکی دیگر عوض کنیم. عراق فقط نیاز به کمی زمان برای خوش بودن دارد.» (اشاره او به نیروهای اسلامی است. م) به سختی می‌توان نیروی سیاسی کمونیستها را سنجید. آنها در سیستم تک حزبی بعث عراق شانس نداشتند. در منطقه امن شمال عراق، حزب کمونیست عراق (نویسنده حزب شیوعی را با حزب کمونیست کارگری اینجا اشتباه گرفته است. م) بیش از ۲ درصد رأی در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۲ نیابرد، و از آنوقت تا حالا ۳ شاخه شده است.

علاوه بر این، آیت اللهها در عراق پس از صدام بسیار با نفوذ شدند تا جاییکه حتی بعضی از رهبران سکولار برای گرفتن دعای برکت از آیت‌اللهها دارند از هم سبقت می‌گیرند. تعداد کمی از سیاستمداران جرأت می‌کنند مسئله جدایی مذهب از دولت را طرح کنند. و آن هنرمند در کافه، بدون وجود پول حاصل از ترسیم چهره ملایان برای پوستهای بزرگی که قرار است جای عکس های صدام را بگیرد، نمی‌توانست پول ویسکی خودش را هم بدهد.

گسترده تر خواهد شد. سازمان جوانان کمونیست یک پای اصلی این حرکتها است. جمهوری اسلامی تقلابهای آخرش را میکند و آینده را ما جوانان آذیادخواه و برابری طلب از آن خود خواهیم کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری

سازمان جوانان کمونیست کمیته خارج از کشور

۱۸ تیر ۷۶ تا ۲۱ خرداد ۸۲

گفتگو با کاوه رزمجو

کاوه رزمجو روزنامه نگار چپگرای ساکن تهران است، حدود ۳۰ سال دارد و بی شک نظرات او منعکس کننده طیف وسیعتری از هم سن و سال های اوست. علیرغم مشکلات فنی و ارتباطی موفق شدیم گفتگوی زیر را با او ترتیب دهیم.

جوانان کمونیست: شما هم در تظاهراتهای اخیر و هم ۱۸ تیر ۷۶ شرکت داشته اید. از ۱۸ تیر چه خاطره ای دارید؟

کاوه رزمجو: وقتی پنجشنبه حدود ساعت ۱۱ شب به طرف کوی میرفتم از تقاطع بزرگراه به امیرآباد شمالی به طرف کوی، تمامی عرض خیابان بسته بود. تعداد زیادی نیروی لباس شخصی در دو طرف خیابان ایستاده بودند که با نگاه آنان مشایعت می شدم. بالاتر که رفتم تعداد زیادی نیروی انتظامی نیز ایستاده بودند. بعد از آن نیز باز هم لباس شخصی ها، فضای ملتهب و عجیبی بود.

پایین تر از در ورودی ویژه پسران، خیابان با آهن پاره هایی بسته شده بود و تعداد زیادی دانشجو پشت آن ایستاده بودند و شعار میدادند و شعارها عمدتاً درباره آزادی بیان و رفع توقیف روزنامه سلام بود. توی دلم کلی غر زدم. بقیه ماجرا را همگان خوب میدانند و من نیز می گذرم.

جوانان کمونیست: ارزیابی تان از ۱۸ تیر چیست؟ آنرا چطور می بینید؟

کاوه رزمجو: از مدنیت قبل احتمال برخورد خشونت آمیز جناح راست با دانشجویان میرفت. چه دانشجویان در طی دو سال قبل از آن به قولی موی بینی آنان شده بودند و نیز سهم دانشجویان را در به کرسی نشستن خاتمی زیاد میدیدند. و بالاخره دستاویز مناسبی نیز به دست آوردند. شروع این حوادث بسیار مسالمت آمیز بود حتی اگر مدعی شوند که دانشجویان در خیابان کارگر دست به عملیات آشوب طلبانه ر شعار های توهین آمیز زدند. اما بیرحمی به کار گرفته در حوادث کوی بی نظیر و عجیب بود. کیفیت واکنش سریع در حمله به کوی همان خط قتل های پاییز سال ۷۷ را تداعی میکرد. یعنی اعمال حداکثر خشونت و قساوت برای عبرت گیری و خاموش کردن دیگران... به هر روی این جریانات باعث شد مردم شجاعت بیشتری از خود نشان دهند و همان طور که میدانید حضور مردم در صحنه های اعتراض بیشتر شده است.

جوانان کمونیست: ۱۸ تیر و تحولات بعد آن چه تاثیری بر اعتراضات دانشجویی گذاشت؟

کاوه رزمجو: بعد از ماجرای تیر ۷۸ دانشجویان تغییراتی اساسی در



تفکر و خط مشی خود دادند. تحکیم وحدت که تا آن زمان تنها آلترناتیو موجود در دانشگاه ها برای پیگیری مطالباتشان بود به یک باره تبدیل شد به سازمانی دولتی و به قولی برادر شغال لقب گرفت. دانشجویان آزادی خواه و معترض عده ای جذب نیروهای ملی نظیر حزب ملت ایران و غیره شدند عده قلیلی جذب گروه طبرزدی و عده ای به فکر سازمان ها و گروه های کوچک چند نفری و زیر زمینی افتادند و از آن پس در هر شرایط مطالباتشان را پیگیری میکنند.

جوانان کمونیست: فکر میکنید دانشجویان چه مطالبات و خواسته هایی دارند و چه نیروهایی آنرا نمایندگی میکنند؟

کاوه رزمجو: از سال ۸۰ و پس از انتخاب مجدد خاتمی و عدم رضایت دانشجویان و عموم مردم از عملکرد محافظه کارانه او، دیگر دانشجویان کمتر به او فکر میکنند. آنان (حتی تحکیم نیز کم و بیش به این موضوع رسیده است) در فکر حکومتی نوین هستند که بتواند افکار و نیازهایشان را تامین کند و به دلیل سطحی بودن مطالعات سیاسی و اجتماعی آنان در هر برهه و مقطع از زمان به سویی نیل می کنند. آنان مطالباتشان را کم و بیش می دانند اما دقیقاً نمی دانند که کدام نیروی فکری خواست آنان را نمایندگی می کند.

جوانان کمونیست: موقعیت چپ را چطور می بینید؟

کاوه رزمجو: نیروهای چپ به دلیل تعدد گروه بندی های سیاسی، متاسفانه حضور چشمگیری نمی توانند داشته باشند (البته حقیقتاً عدم دسترسی مناسب به آرا و عقاید آنان را نمی توان در نظر نگرفت).

جوانان کمونیست: فکر میکنید در حرکات اخیر تاثیر نیروهای سیاسی چیست؟

کاوه رزمجو: تبلیغاتی که توسط رسانه های لس آنجلس صورت می گیرد حرکت وسیعی را به وجود آورده و اطلاع رسانی (هر چند ناکافی و جانبدارانه) تاثیر فراوانی در نوع شعارها و خط سیر این حرکات داشته است.

جوانان کمونیست: به نظر شما رژیم چگونگی با حرکات اخیر برخورد خواهد کرد؟

کاوه رزمجو: من گمان میکنم که برخلاف دو سال گذشته حاکمیت به دلیل اختلافات درونی و بیرونی با تظاهرات و یا تجمعات دانشجویی در ۱۸ تیر به شدت برخورد خواهد کرد همان طور که دیدیم توسط ارادل و اوباش بسیجی و سپاه (میکویم بسیجی و سپاه زیرا که

تفاوتهای اپوزیسیون کمونیست ها و اقتصاد دولتی کامران حیدری

که دوستان، دولت به معنی واقعی کلمه شامل یک دولت است و نه چند دولت (در یک دولت). ولی در ایران، ما میتوانیم برای هر شخصیتی یک دولت بنا کنیم. دولت خاتمی، رفسنجانی، خامنه ای و غیره. وجود کارتل ها، سرمایه دار ها که در شکل دولتمردان در آمده اند و بر عکس، و سازنده اصلی جامعه بورژوازی هستند، این نکته را روشن میسازد. (یعنی در همه جوامع سرمایه داری در یک دولت در واقع چند دولت داریم) وجود این گونه دولت مردان در جامعه ایران که باز بر همه آشکار است، خود گواه این معادله می باشد. معادله ای که عناصر مجهول ندارد، فقط تفکرات مردم ما، به علت تبلیغات سوء غرب، بدان سو کشیده شده است.

و باید توجه داشت شاید یکی از خطرناک ترین مسائلی که جبهه کمونیستی را تهدید میکند، همین مورد ذکر شده باشد. پس باید در این مورد کاملاً بازنگری شود. به امید پیروزی کارگر.

کامران عزیز، چند نکته را باید دقت کرد:

اول، این که شما میگویید نیروهای اپوزیسیون در اغلب شعارهایشان مثل «آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، برابری حقوقی زن و مرد، جدایی دین از حکومت و...» یکی هستند، باید دقت کنید که این شعارها که شما گفتید همه شعارهای چپ جامعه است و حزب کمونیست کارگری بطور روشن این شعارها را نمایندگی میکند. این که نیروهای راست (از سلطنت طلب تا ملی مذهبی تا پاسدار ولترهای شکست خورده دوم خرداد، تا جمهوریخواهان دوم خرداد (سابق) دارند با زبان الکن و با اکرار چیزهایی شبیه این شعارها را تکرار میکنند، فقط و فقط انعکاس این است که جامعه تا چه حد چپ شده است (و راستش بیشتر به نقوذ می شود) و تا چه حد شعارهای چپ نفوذ دارد. این البته باعث خوشحالی است. اما میخوام بگویم تفاوت چپ و کمونیسم با سایر نیروهای اپوزیسیون فقط در زمینه اقتصاد نیست. در زمینه شعارهای سیاسی و حتی در مورد مساله مشخص پیش روی جامعه، یعنی سرنوشت جمهوری اسلامی، تفاوت اساسی وجود دارد. اپوزیسیون راست خواهان سرنوشتی انقلابی و از پایین رژیم نیست. میخواهد دستگاه سرکوب رژیم فعلی را حتی الامکان دست نخورده تحویل بگیرد. این چپ است و پیشاپیش آن کمونیسم کارگری است که خواهان قطع رابطه رادیکال و قطعی با هرگونه سرکوبگری و آقا بالاسری علیه مردم است. این چپ است که خواهان جدایی قطعی دولت از مذهب و برقراری آزادی و برابری است.

حُب تا بدینجا بر این نکته صحه گذاشته شد که تفاوت بر سر چیست، ولی حال سوال اصلی و بسیار مهمی که طرح میشود، دید مردم ایران به این موضوع میباشد.

بارها و بارها در محافل خصوصی و روشنفکری با این مورد برخورد کرده باشید که آری دیگر چه جای سخن از کمونیستها می ماند. مردم ایران بارها و بارها بر این موضوع تاکید کرده اند که ما تا بحال ۲۴ سال اقتصاد دولتی، اقتصاد چپ را تحمل کرده ایم، ولی غیر از بدبختی غیر از بیچارگی هیچ ندیدیم. حال دیگر این چپی ها چه میخواهند بکنند؟

البته لازم به ذکر است که این تفکر نشات گرفته از یک تفکر عامی می باشد. و با توجه به اینکه عقل مردم ایران به چشمشان است و باز با توجه به تبلیغات سوئی که امپریالیست غرب بر علیه اقتصاد دولتی دارد، غیر از این نیز نمی بایست انتظار داشت.

شاید بارها و بارها پاسخ داده باشید

در حال حاضر و در شرایط حساس کنونی در منطقه، با توجه به حضور آمریکا دور تا دور ایران و شروع تحرکات مردمی در داخل کشور، یکی از مسائلی که بسیار قابل تامل میباشد، اهداف و برنامه های نیروهای اپوزیسیون، چه در داخل و چه در خارج از کشور می باشد.

توجه به شعارهای نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور این نکته را معلوم می سازد که تفاوت این شعارها، اهداف و برنامه ها، هریک در کدامین سمت و سو می باشد؟ اولین قدم شاید، برای بیشتر روشن شدن این مورد، تقسیم بندی نیروها و شعارهایشان باشد. نیروهای خارج و داخل را در دید کلی میتوان به طیف سلطنت طلب، ملی مذهبی ها، اصلاح طلبان، جمهوری خواهان و کمونیست ها ... تقسیم بندی کرد. البته بماند که خود این نیروهای _ در کمال تاسف_ به چندین قشر تقسیم بندی میشوند.

بررسی شعارهای این نیروها باز این مجهول را معلوم میسازد که اکثر این گروه ها در اکثر شعارهایشان هم عقیده و هم گفتار هستند. شعارهایی مانند «آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، برابری حقوقی زن و مرد، جدایی دین از حکومت و...» ولی از بزرگترین تفاوتها ما بین این نیروها میتوان به نگرش اقتصادی آنها چشم دوخت. در این مقال سعی بر آن نشده که نگرش تک تک نیروهای اپوزیسیون بررسی شود. اما اکثریت آنها دیدی کاپیتالیستی دارند. با توجه به همین نکته تفاوت بزرگ کمونیستها و دیگر گروهها آشکار میشود. (چرا که آنها دیدی کاپیتالیستی ندارند).

حُب تا بدینجا بر این نکته صحه گذاشته شد که تفاوت بر سر چیست، ولی حال سوال اصلی و بسیار مهمی که طرح میشود، دید مردم ایران به این موضوع میباشد.

بارها و بارها در محافل خصوصی و روشنفکری با این مورد برخورد کرده باشید که آری دیگر چه جای سخن از کمونیستها می ماند. مردم ایران بارها و بارها بر این موضوع تاکید کرده اند که ما تا بحال ۲۴ سال اقتصاد دولتی، اقتصاد چپ را تحمل کرده ایم، ولی غیر از بدبختی غیر از بیچارگی هیچ ندیدیم. حال دیگر این چپی ها چه میخواهند بکنند؟

البته لازم به ذکر است که این تفکر نشات گرفته از یک تفکر عامی می باشد. و با توجه به اینکه عقل مردم ایران به چشمشان است و باز با توجه به تبلیغات سوئی که امپریالیست غرب بر علیه اقتصاد دولتی دارد، غیر از این نیز نمی بایست انتظار داشت.

شاید بارها و بارها پاسخ داده باشید

میانه روها و یا به اصطلاح اصلاح طلبان با درست کردن واژه لباس شخصی ها، آنان را رعب آورتر و در هاله ای از ابهام قرار داده و این خود تاثیر بسیار بدی بر روی مبارزین میگذازد.) به شدت به دانشجویان حمله کردند.

جوانان کمونیست: فکر میکنید چپ چه باید بکند؟

کاوه رزمجو: حضور فعال و موثر نیروهای چپ می تواند از انحرافی که در راه مسیر این جنبش ممکن است به وجود آید جلوگیری کند. به دست گرفتن رهبری اجتماعات، طرح شعارهای دمکراتیک و پیشرو، برنامه ریزی و اطلاع رسانی کمترین کاری است که نیروهای چپ می توانند انجام دهند.

جوانان کمونیست: در تظاهرات های اخیر چه کردید، چه ارزیابی دارید؟

کاوه رزمجو: من شب اول بدم حدود ساعت ۱۱ شب سه شنبه وقتی که در حال دیدن تلویزیون کانال یک بودم شنیدم که تجمعی صورت گرفته است. حدود یازده و نیم به طرف منطقه رهسپار شدم. در خیابان فاطمی ورودی میدان گلها توسط نیروهای انتظامی بسته شده بود. به طرف تقاطع فاطمی و کارگر رفتیم. تجمع مردم و ماشینها به چشم می خورد، مردم عمدتاً ترافیک ایجاد کرده بودند و امیرآباد به طرف شمال نیز توسط نیروهای انتظامی بسته شده بود و همه ماشینها بوق می زدند. بعد از مدتی عده ای شروع به خواندن سرود [آی ایران] نمودند و تعدادی نیز شعار دادند، شعارها شامل «زنلانی سیاسی آزاد باید گردد»، «آخوند انگلیسی اعدام باید گردد»، «ایران شده فلسطین، مردم چرا نشنستین» و ... بود. حدود ساعت ۱ صبح نیروهای بسیج به تجمع کنندگان حمله ور شدند.

اکثر آنان به بی سیم و سلاح کمری مجهز بودند. تعدادی از آنها با مردم درگیر شدند و برای ترساندن تجمع کنندگان حمله نمودند. لازم به تذکر است که شعار مردم با حمایت دانشجویانی که در خوابگاه تقاطع فاطمی امیرآباد ساکن هستند حمایت می شد. به نظر من اگر این تجمعات هدایت نشوند خیلی زود متفرق می شوند و یا کس دیگری پیدا میشود که آنان را به سمت اهداف خود سوق دهد.

جوانان کمونیست: فکر میکنید در حرکات اخیر تاثیر نیروهای سیاسی چیست؟

کاوه رزمجو: تبلیغاتی که توسط رسانه های لس آنجلس صورت می گیرد حرکت وسیعی را به وجود آورده و اطلاع رسانی (هر چند ناکافی و جانبدارانه) تاثیر فراوانی در نوع شعارها و خط سیر این حرکات داشته است.

جوانان کمونیست: به نظر شما رژیم چگونگی با حرکات اخیر برخورد خواهد کرد؟

کاوه رزمجو: من گمان میکنم که برخلاف دو سال گذشته حاکمیت به دلیل اختلافات درونی و بیرونی با تظاهرات و یا تجمعات دانشجویی در ۱۸ تیر به شدت برخورد خواهد کرد همان طور که دیدیم توسط ارادل و اوباش بسیجی و سپاه (میکویم بسیجی و سپاه زیرا که

خواهند کرد.

نامه های شما

یوان از تهران، از دریافت اطلاعیه ها تشکر کرده و گفته اند که آنها را روی یاهو یا دیگران در میان میگذارند. همچنین از قول یک دوست از اعتراضات در اصفهان خبر داده اند و اینکه چطور مردم اصفهان حتی از تهرانی ها جسورترند.

عبدالجلیل از استکهلم، نوشته اند: سلام، فقط میخواستم بپرسم امکان این وجود دارد که من در مورد ظلم مضاعف رژیم و خواسته های موجود در منطقه ترکمن صحرا و ترکمن ها مطلبی در نشریه جوانان کمونیست بنویسم؟ اگر چنین لطفی در حق من (ما) بکنید خیلی خوشحال خواهم شد.

جلیل عزیز، نشریه ما و سازمان ما قومیت و شناسنامه و ملیت و رنگ و جنس و مذهب را به رسمیت نمی شناسد. معلوم است که میتوانید در این مورد بنویسید. ما به شدت علیه هرگونه ستم گری قومی و ملی و فرهنگی و مذهبی هستیم. ما خواهان جامعه ای هستیم که در آن انسان انسان باشد. نه فارس و ترکمن و کرد و از این قبیل. برنامه ما را بخوانید، در این مورد یک بخش هست که همین نکات را بدقت توضیح داده است. منتظر نوشته های شما در مورد وضعیت ترکمن ها و در زمینه های دیگر هستیم.

حامد راد از تهران، از پوسته های

ارسالی که در گرامیداشت منصور حکمت تهیه کرده اید بسیار سپاسگزاریم. در مورد چاپ کامل گزارش درگیری ها در نشریه برای ما که هفته ای یکبار انتشار داریم و کلی مسائل را لازم است با خوانندگان در میان بگذاریم فعلا مقدر نیست و بعلاوه بعد از یک هفته بسیاری گزارشات کهنه است. اقدام به تشکیل مرکزی خبری سازمان جوانان و ارسال فوری خبرها به نوعی پاسخ به همین نیاز است. همینطور اخبار روزانه را میتوانیم در سایت روزنه، اتاق جوانان در یاهو و سایت جوانان کمونیست دنبال کنید.

پیام از تهران، نوشته اند: اوضاع همچنان از دست مزدوان و چماق بدستان جمهوری اسلامی خارج است. وزارت علوم جمهوری اسلامی از امروز دستور داده تا امتحانات شروع شود و تا ۱۸ تیر تمام شود تا بتوانند خوابگاه دانشجو جوانان را خالی کنند... چند روز پیش بر روی دیوار یکی از یادگانه ها اسپری نوشته بودند: علی خامنه ای اعدام باید گردد که مزدوران فوراً آمدند و پاک کردند. ولی این را به شما بگویم مردم ایران تا مدتی دیگر برای همیشه از دست مذهب و اسلام و جمهوری اسلامی نجات می یابند. چند تن از دوستان من در چند شب گذشته دستگیر شده اند و هیچ کس حتی خانواده های آنها از مکان زندان آنها خبر ندارد. با این کارها میخوانند ترس ایجاد کنند ولی پیروزی نزدیک است. به امید روزی که شما را در تهران ببینم و تمام

اعضای سازمان جوانان و حزب و دیگر مردم در ایران برای ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی دست در دست یکدیگر بگذارند.

حسین از تهران، نوشته اند: سلام بهرام جان. ایده جالب مرکز خبری کاری بسیار بجا و به موقعه بود. از اینکه همیشه سردمداران این مبارزه هستین تشکر میکنم. باهاتون در مورد اخبار احتمالی تماس خواهم گرفت.

سیامک رائین از دانمارک، نامه ای به دانمارکی برای ما فرستاده اند. با کمک اندکی سوئدی که بلدم و با یاری دوستان متوجه شدم که نامه ایشان در اعتراض به انتقادات من به سرود ای ایران است. (به شماره ۹۴ رجوع کنید.) اینطور متوجه شدم که مقایسه آن سرود با سرود فاشیستهای آلمان را از این جهت درست ناسته اند که فاشیستهای آلمان را برتر از هر چیز در جهان می دانند و سرود ای ایران تنها در وصف خاک پاک ایران است. البته سرود ای ایران میگوید که خاک ایران در و گوهر و سرچشمه هنر است اما نمی گوید که ایران برتر از همه چیز در جهان است. بهر حال من در آن مقاله راستش به رابطه ناسیونالیسم ایرانی و تمایلات فاشیستی آن نپرداختم. و از این جهت سرود فاشیستهای آلمان را با سرود ای ایران مقایسه نکردم. ولی در هر دو سرود تقدس میهن و خاک هست. در سرود ای ایران بصورت بسیار بدوی و در سرود سرزمین آلمان بصورت کاملا فاشیستی و برتری طلبانه، از سیامک عزیز تقاضا

میکم بحث هایش را به فارسی (ولو با الفبای انگلیسی) بنویسند تا دقیقتر به آنها بپردازیم.

(فستی) از ایران، چند نامه فرستاده اند. دو سه تا مکاتبات جالب او با دوستان دیگری است که ناسیونالیست هستند و انتقادات را نیستی به ناسیونالیسم را با «تازی» خطاب کردن او جواب میدهند. امیدوارم این مکاتبات را بتوانیم در فرصت دیگری چاپ کنیم. متأسفانه ناسیونالیسم ایرانی ضد عرب است و اینجاست که حتی جنبه های نژادپرستانه نیز بروز می یابد. نیستی همچنین طی نامه دیگری خبر داده که اصلاح طلبان و یا کسانی در حکومت میکوشند تظاهراتی با شعارهای خودشان (که ضد رژیم نباشد) راه بیندازند تا مگر بتوانند با حرکات فعلی مردم علیه جمهوری اسلامی مقابله کنند. بنظر من نیستی جان کار از این حرفها گذشته است. طبرزدی هم دارد تلاش مشابهی میکند، اما بعید میدانم کسی به این حرفها گوش بدهد.

مرجان روشن ضمیر از کانادا، خیلی متشکر از اظهار لطفان به مقاله «این سرود را نخوانید» در شماره ۹۴ **رضا سبیدی از استکهلم،** مقاله ای در نقد نظم نوین جهانی و اهداف آمریکا نوشته و سپس به سلطنت طلبان و آلترناتیو راست پرداخته اند. از جمله نوشته اند: من سلطنت را در هر شکلش توهمین به شعور انسانهای آزاد و برابری طلب میدانم. و در پایان خوانندگان را به پیوستن به حزب کمونیست کارگری و

سازمان جوانان کمونیست تشویق کرده اند: باید انتخاب کرد، فردا دیر است! رضا عزیز ممنون، بازهم برایمان بنویسید..

جمال کمانگر از لندن، خیلی ممنون عزیز خاطره ات از منصور حکمت رسید. هر چه بیشتر خاطرات خواندگان و دوستانان منصور حکمت را دریافت میکنم بیشتر اطمینان می یابم که بتوانیم شماره ای در خور ستایش از او فراهم کنیم. از محبتت به نشریه سپاسگزارم و امیدوارم که آنرا در لندن وسیعاً پخش کنید. در ضمن اگر عکس مشترکی با منصور حکمت دارید حتماً بفرستید. در غیر اینصورت عکس خودتان را حتماً بفرستید.

هاله طاهری عزیز، خاطره اولین ملاقات شما با منصور حکمت بدستمان رسید. بعد از خواندن آن متوجه شدم که چقدر نوشتن آن برای شما یاد آور خاطراتی عزیز و عمیق بوده و چه عواطفی موقعه نوشتن آن داشتید. اما بطور فوق العاده بر خواننده تاثیر میگذارد. خیلی ممنون.

بابک شدیدی، نرسی یگانه، آرش حمیدی، فرشاد پویا، لیل روشن ضمیر، حامد راد، دوستان دیگری که برای مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست خبر فرستادید، بدینوسیله از شما تشکر میشود. ادامه دهید رفقا!

از صفحه ۵

راست در واقع دارد بنا به مصلحت و برای اینکه عقب نماند از شعارهایش (مثلاً رفاندم، سلطنت، اصلاحات و غیره) دست میکشد و تا مگر بتواند با ظاهری چپ مردم را به سمت خود جلب کند.

دوم، یک خطای بزرگ در تعریف اقتصاد سوسیالیستی اینست که آنرا مترادف با اقتصاد دولتی بگیریم. این تقسیم بندی که گویا اقتصاد سرمایه داری غیر دولتی است و اقتصاد سوسیالیستی دولتی، کاملاً غیر واقعی و غیر مارکسیستی است. چرا که اولاً ما در قرن بیستم با یک سیستم تمام و کمال سرمایه داری دولتی، دقت کنید دولتی! (در بلوک شرق) روبرو بودیم. هم الان هم مثلاً اقتصاد سرمایه داری چین، دولتی است. ثانیاً سرمایه داری بازار آزاد هم همچین «غیر دولتی» نیست. تاریخ تکامل سرمایه داری با تاریخ دخالت هرچه بیشتر دولت در اقتصاد و سیاست و فرهنگ همراه بوده است. نقشی که اکنون دولت ها دارند با هیچ دوره ای در تاریخ قابل قیاس نیست (مگر دوره جنگ و بحران های شدید). اقتصاد سرمایه داری و تناقض بین خصلت اجتماعی تولید بطور کلی (چه نوع غربی و بازار آزادی آن و چه نوع شرقی و به اصطلاح برنامه ریزی شده آن) دخالت بیش از پیش دولت را موجب شده است. اقتصاد دولتی بهیچ وجه نکته متمایز کننده سرمایه داری از

سوسیالیسم نیست. حتی عواملی مثل بازار هم نقطه تمایز اصلی نیست. ما دیدیم که میتوان برای دهها سال در شوری سرمایه داری با مالکیت دولتی و حتی با برنامه ریزی مرکزی (به جای بازار) داشت. (برای مطالعه بیشتر به بحث های منصور حکمت در مورد شوری در سایت بنیاد حکمت رجوع کنید).

بنا بر این پاسخ ما در قبال کسانی که میگویند اقتصاد سوسیالیستی و چه همان اقتصاد دولتی است، این نیست که این تعبیر را بپذیریم و بعد کوشش کنیم ثابت کنیم که دولت سوسیالیستی دولت خوب و مردمی است (مثلاً دولت خامنه ای و خاتمی و یا فلان سرمایه دار نیست) و اقتصاد را به نفع مردم اداره میکند. وجه مشخصه اقتصاد سوسیالیستی فراتر و عمیق تر از این حرفهاست. مشخصه اقتصاد سوسیالیستی اینست که کار مزدی را لغو میکند. اینکه دیگر کسی برای زنده ماندن مجبور نباشد نیروی کارش را (حال به دولت یا به بورژوازی منفرد) بفروشد و مزد دریافت دارد. اساس اقتصاد سوسیالیستی همانطور که مانیفست هم میگوید الغاء مالکیت بورژوازی (چه دولتی و چه خصوصی) بر وسائل تولید است. و این یعنی الغاء خرید و فروش نیروی کار، الغاء حاکمیت سرمایه به مثابه یک رابطه اجتماعی بر تولید و مناسبات انسانها در تولید (که پایه سایر روابط اجتماعی است). این درست که در سوسیالیسم طبعاً مردمی

به دولت فرانسه اعتراض کنید!

شرایطی است که مردم ایران در خیابانها در تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. حزب کمونیست کارگری این اقدام دولت فرانسه را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری تمام دستگیر شدگان است. حزب از تمام نیروهای اپوزیسیون میخواهد که مستقل از دوری و نزدیکی خود با سازمان مجاهدین خلق در فرانسه محکوم (است!) متن اطلاعیه بین قرار

دستگیری مجاهدین خلق در فرانسه یک اقدام آشکار این دولت به نفع جمهوری اسلامی و به زیان اپوزیسیون این رژیم است. به این باید اعتراض کرد. حزب کمونیست کارگری در اطلاعیه اعلام کرد: «دستگیری نیروهای سازمان مجاهدین خلق در فرانسه محکوم است!» متن اطلاعیه بین قرار

صبح امروز، سه شنبه ۱۷ ژوئن، بیش از ۱۲۰۰ تن از افراد پلیس "ضد تروریست" فرانسه در یک اقدام سراسری به ۱۳ محل اقامت رهبری و اعضای سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت در فرانسه هجوم برده و نزدیک به ۱۵۰ تن از آنان را دستگیر کردند. دولت فرانسه این اقدام را گامی در جهت مقابله با "تروریسم" اعلام کرده است. اما اگر دولت فرانسه مدعی مبارزه با تروریسم است باید در سفارتخانه و لانهای جاسوسی رژیم اسلامی را ببندد. باید از دست از حمایت و بند و بست با رژیم اسلامی دست بردارد. این اقدام دولت فرانسه نتایج آشکار به نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی است. این اقدام یک تیانی آشکار با رژیم جانیان اسلامی آنها در

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ ژوئن ۲۰۰۳



نامه هایی از خط مقدم

ها بود بطوری که از ساعت ۹ به بعد با حمله نیروی انتظامی مردم هم متقابلاً حمله میکردند و سنگ می انداختند، حتی در بین مردم این صحبتها را میشد شنید که به هم میگفتند «بچه ها از فردا با قمه بیایید». پیرمردی که میگفت ۹ سال زرنانی سیاسی بوده (به من گفت که از سازمان فداییان بوده) عملاً داشت به جوانها طرز ساخت کوکتل مولوتف را آموزش میداد و میگفت وقتی موتورسوارها آمدند چطور با سنگ بهشون زد که بیفتند زمین. آرایشیم حاکم بر مردم هم که از خشم آنها ناشی میشد به چشم میخورد. جواترها به هر چیزی که نشانه جمهوری اسلامی داشت حمله میکردند، حتی به سرباز راهنمایی رانندگی سر چهارراه یا به پارچه نوشته هایی که ۱۵ خرداد را تسلیت میگفت. یک مورد هم که موتور یکی از عناصر اطلاعات نیروی انتظامی به زمین خورد جمعیت چنان به سمت اطلاعات چی ها هجوم بردند که مطمئن هستم اگر نمرده باشند الان تو بیمارستان هستند. متأسفانه با حمله یگان ویژه مردم پراکنده شدند و گرنه حتماً با کتک له میکردنشون.

من متأسفانه در اثر یکی از همین تعقیب و گریزها توی یک کوچه خلوت گیر افتادم، وقتی خواستم فرار کنم افتادم توی جوب و سربازی که دنبالم بود وقتی خونی که از پایم میامد را دید و دید تنهاس و ممکن است مردم بهش حمله کنند، رفت من هم به کمک دوستانم به سختی خودم را به خانه رساندم. از چیزهای جالب دیگر بوئ بوئ زدن مکرر ماشینها و کمک کردن خودروهایی شخصی به زخمی ها بود. توی چند مورد هم چند نفر با به خطر انداختن خودشان به زندانهای متحرک نیروی انتظامی رسانند و شماره تلفن دستگیر شده ها را یادداشت کردند و به بقیه رسانند.

باز بابت مجله (جوانان کمونیست) که فرستادید ممنونم. من رادیو شما را هر شب ساعت ۹ گوش میکنم و به آقای منصور حکمت خیلی ارادت دارم و تقریباً تمام آثار مارکس و انگلس و لنین را که به فارسی تو بازار هست خوانده ام. هر کمکی که بتوانم حاضرم انجام بدهم و با کمال میل حاضرم برای آینده بهتر بجنگم. موفق و پیروز باشید.

م. ف. از اصفهان

دوستان عزیز، علی جوادی، اسد گلچینی سلام، امیلوارم حالتان خوب باشد. خسته نباشید. رژیم اسلامی در حال فروپاشی است. بسیاری از محله ها و خیابانها شبها به دست جوانان اداره میشوند، زنان میان جمعیت تظاهر کننده روسری ها را از سر برداشته رقص و پایکوبی میپزدانند. دین خوشحالی مردم بسیار شگفت انگیز است ولی خشونت نیروهای سرکوبگر وحشیانه است و سعی میکنند بر جامعه فضای اربعاب

و ترس حاکم کنند. از ساعت ۹ شب رفت و آمد در خیابانها بیشتر میشود، وضعیت در اصفهان و شاهین شهر بحرانی و حکومت نظامی برقرار است و در جاده ورودی اصفهان به شاهین شهر پلیس ماشینها را نگه میدارد و مورد بازرسی قرار میدهد، درگیریهایی شایعی در این شهرها بوجود آمده و گفته میشود تعدادی نیز کشته شده اند.

دیشب در اصفهان تا ساعت ۴ باامداد صدای تیراندازی شنیده میشد، فضا دودآلود و بوی باروت کاملاً احساس میشد در محلی برای سرکوب از سنگ بزرگی که از نظر شکل و بزرگی غیر عادی بوده استفاده کردند و فردی که فیلم برداری میکرده را دستگیر کردند. ترس مرتجعین اسلامی از مردم به حدی است که پارزیت اننازی بر تلویزیونها شدیدتر شده و برنامه ها را قطع میکنند، جمع آوری دیش های ماهواره باز شروع شده، تبلیغات مسخره ضد آمریکا همچنان ادامه دارد. دستگیر شدگان آزادی خواه را تلویزیون اسلامی نشان میداد و چنان وانمود میکند که عده ای از سر دلخوشی به آشوب و اغتشاش مشغولند.

خبرهای روزنامه ها همه تبلیغات است، حبیب عسگرآولادی گفته: آرزوهای آمریکا در ایران هیچگاه محقق نمیشود، ظاهراً حماقت های رژیم ادامه دار است.

آنچه این جنبش احتیاج دارد سازماندهی است که خوشبختانه در حال شکل گیری است. در بسیاری از محله ها انجام شده و من هم با کمک آزادی خواهان در این کار همکاری میکنم، برای ۱۸ تیر. شعار نویسی بر روی دیوارها بیشتر شده، بر دیوارها این شعارها را میتوان خواند: مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دولت خشم و نفرت از آخوندها به حدی است که به زودی عمامه ها طناب داری خواهند شد. زیرا این خشم فرو خورده محل ظهور و بروز پیدا کرده پراحتی آن را شکستن شیشه ها و به آتش کشیدن ها میتوان دید.

من با اینکه بیمارم ولی سعی خود را برای به دست آوردن آزادی و برابری میکنم و مطمئن هستم تحولات زیادی در پیش است و شاید به یک انفجار نزدیک میشویم. دوستدار شما م. ف.

فرید آرمان، کارگر از تهران

اسد عزیز سلام. این تظاهرات موج گسترده ای شده، چنانکه به شهرهای دیگر سرایت کرده در این چند شب در تظاهرات شرکت کردیم. پیام لیدر حزب کوروش مدرسی را چاپ و در میان مردم پخش کردیم. در این تظاهرات ها جوانان کمونیست لرستانی خیلی به ما کمک کردند تا شورایی درست کنیم برای تبلیغ در بین کارگران و جوانان و کار مفید در راه آزادی در محلاتی که دسترسی داریم. عزیز دیگه وقت آن رسیده که برهفای ستم را آب کرد و شور و شوق مردم در این تظاهرات را میتوان دید که مردم دیگه آزادی میخواهند.

اطلاعیه شماره ۳ مراسم سالگرد منصور حکمت

همانطور که در اطلاعیه های پیش باطلاح رساندیم مراسم سالگرد منصور حکمت در روزهای جمعه و شنبه چهارم و پنجم ژوئیه ۲۰۰۳ در لندن، انگلستان برگزار میشود. شرکت در این مراسم برای عموم آزاد است. در اینجا باطلاح دوستان و علاقمندان شرکت در این مراسم میسرانیم که:

روز جمعه مراسم ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر در گورستان های گیت برگزار میشود. علاقمندان در جمع هایی پای بنای یادبود و نیم پیکره منصور حکمت گل خواهند گذاشت. از علاقمندان شرکت در این مراسم تقاضا میشود که ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر در مقابل درب ورودی گورستان های گیت حضور بهم رسانند.

لطفاً توجه داشته باشید که ورود به گورستان های گیت مقرراتی دارد که همگی ملزم به رعایت آن هستند. این مقررات از طرف هیات مدیره گورستان های گیت تعیین شده و عدم رعایت آن باعث جلوگیری از ورود به گورستان خواهد شد.

حمل دوربین عکاسی و فیلمبرداری، سیگار کشیدن و پوشیدن لباسهای رکابی در درون گورستان ممنوع است.

ضمناً باید توجه داشته باشید که مبلغ ۳ پوند و نیم بابت ورودیه و گل به همراه داشته باشید. کمیته برگزار کننده مراسم برای کلیه شرکت کنندگان گل تهیه میکند و لذا ضرورتی برای آوردن گل نیست.

آدرس گورستان های گیت:

Swains Lane

London N6

ایستگاه مترو: Archway

مراسم روز شنبه ساعت ۱۲ آغاز میشود و تا ۹ شب ادامه دارد. محل مراسم روز شنبه بزودی از طریق سایت روزنه و نشریات حزب کمونیست کارگری باطلاح علاقمندان خواهد رسید.

لطفاً توجه داشته باشید که

۱- ورود کودکان زیر ۱۶ سال به مراسم اکیداً ممنوع است.

۲- از آوردن دوربین عکاسی و فیلمبرداری و ضبط صوت به مراسم خودداری کنید.

خبرنگاران و گزارشگران رسانه های عمومی لطفاً با تلفن و یا از طریق ای میل زیر با کمیته برگزار کننده برای مجوز حمل دوربین و ضبط صوت و دریافت کارت خبرنگاری تماس بگیرید.

یکبار دیگر از کلیه علاقمندان شرکت در مراسم سالگرد منصور حکمت جدا تقاضا میشود که بمنظور تسهیل امور تدارکات و امنیت مراسم از طریق زیر شرکت خود را بما اطلاع دهند.

تلفن: ۰۵۸۷۰ ۳۰۴ ۷۸۱ ۴۴+

ایمیل: salgardinfo@yahoo.com

کمیته برگزار کننده

۱۹ ژوئن ۲۰۰۳

خبر مشروحی از درگیریهای دوشنبه در تهران پارس میدهد که از ساعت ۱۰ شب تا چهار صبح بین مردم و نیروهای رژیم جریان داشته است. همچنین خبری از درگیری ها در دانشگاه علم و صنعت داده است. پیرمردی با من همراه شد میگفت که این دانشگاه سنگک خور است (منظور محافظه کار است) ولی ببین چه شده که این ها هم صدایشان درآمده است.

یاشار از تهران

سلام، برم سر اصل مطلب! اولاً جونها جلو هستند. علیرغم همه کوشش رژیم و شکست خوردگان (به اشاره به نسل ۵۷ است) که در همه این سالها هنوز هم میگویند خبری نخواهد شد!!

واقعا که ترس برادر مرگ است. شما در هر جا که این روزها پا میگذارید صحبت از انقلاب است. در تاکسی، در سر کار، در ادارات، خیابانها و سن بالاها این دوران را با انقلاب ۵۷ مقایسه میکنند.

حتی تلویزیون پارس دیشب با کسی حرف میزد که گویا مجری یک شبکه قارسی زبان در آمریکا و افسر زمان شاه بود. جالب اینکه از مردم میخواست که همان شیوه سال ۵۷ در پشت بام ها شعار دهند. اما این نسل شکست خورده هنوز که هنوز است باور ندارند. و بلشان نمی آد که رژیم یک جوری مردم را سرکوب کند!!

بهر حال جو جامعه شدیداً تغییر کرده، هرچه به شب نزدیک میشود حالت مردم تغییر میکند. (یاشار بعد

آخرین خبر: لباس شخصی ها که قسم خوردند شلوار دانشجویان را به دستشان خواهند داد (همان چیزی است که فریاد میزند) بدون کوچکترین مانعی از طرف نیروی انتظامی به نوبت با موتورهایشان جلوی دانشگاه پاس میدهند. نیروی انتظامی از ورود انصار به دانشگاه جلوگیری میکند....

حقوق زنان وگرنه رای بی رای!

لینک

نادر بکتاش



حقوق زنان، وگرنه رای بی رای
یک قطره از دریا

<http://kija.persianblog.com>

۴ شنبه ۲۸ خرداد هفتاد میلون

انسان زنده منتظر هفت متر عمایه آقاویون هستند که ببینند کی می افتد. خدا را شکر آقدر هم عاقل تشریف دارند که مجسمه ای از خودشان جایی نگذاشته اند که مردم آن را پایین بکشند.

این روزها هم که بازار تیغ داغ است، یکی میخرد که دانشجو رو زخمی کنه یکی ریشش را میتراشه که با کراوات

جور دربیاد! هنوزم که هیچی نشده همه دارند در مورد این که روی آن صندلی

کی بشینه به همدیگه چشمغره میرن! بشکنه پایه های این صندلی که هر چه

میکنیم از آن است. بگوریم از این که وقتی خمینی آمد روی زمین نشست

اما این بعدی ها چون دیسک کمر داشتند کمتر از صندلی سلطنتی رضایت

ندادند. راستش من این لحظه که دارم

مطلب می نویسم برام مهم نیست آن کسی که دولت آیند رو می چرخونه اسم

کوچککش چیه و آیا خوش تیبیه، آیا خوش اخلاقه، آیا سیده آیا آلان تو

ایرانه یا قراره واردش کنن. برای من این مهمه که کشور را بر پایه قانونی استوار

کنه که اگه یه دفعه تروننش بعلی بپونه روی همون اصول به کار بهبود بخش

کشور ادامه بده (یعنی شخص خاصی اساس نباشد) برای من آن کسی مورد

تایید است که همراه کاننید شدنش قانون اساسی اش تو دستش باشه که من آن

مفاد مربوط به زنان را حتما بخوانم..

. وگرنه رای بی رای! ... گفتن ندره ولی به خدا یک هفته است خواب و خوراک

ندارم، خیلی ناراحت آن جوان های شیرازی هستم که از بین ما رفتند. و نگران آنهاهی که خبری ازشون نیست.

.. دانشجویان علوم پزشکی کرمانشاه در میدانهای اصلی شهر ... خانه اصفهان همچون دو شب گذشته ... شیراز و مشهد نیز همراه با تبریز و اراک سه شنبه شب مرکز تشنج و ناآرامی های گسترده بود ...

سراسر مردم و تسلیم پلیس
ناکجا آباد

<http://www.neverhood000.blogspot.com>

یک شب در کوی دانشگاه- دو شب پیش حس کنجکاو نگذاشت که من آرام سر جام بنشینم، بلون اینکه کسی بفهمه (خانواده) به کوی دانشگاه رفتهم... ساعت دو و خرده ای بود که به کوی رسیدم. از سمت شمال خیابان به سمت جنوب خیابان می رفتهم... رفتهم زیر پل گیشا دور زدم و دوباره به سمت کوی رفتهم. در این فاصله به تعداد ماشینها و آدمها افزوده شده بود و ترافیک سنگینی ایجاد شده بود. قابل توجه است که چراغ سمت کوی را قرمز نگه داشته بودند تا کسی وارد کوی نشود ولی مردم آقدر بوق زدند که هم خودشان سراسر گرفتند و هم پلیس تسلیم خواسته آنان شد. این بار که وارد کوی شدم صدای سوت و دست فضا را پر کرده بود.

قبض دمکراسی

(به هنگام کپی کردن، نام و آدرس این ویلاگ منتقل نشد. متأسفانه بعد هم نتوانستیم آن را پیدا کنیم. اگر کسی به ما خبر بدهد در شماره آتی منعکس خواهد شد.)

و اکنون که برایتان ویلاگ می نگارم وجدانمان بسیار راحت است که قبض خود را از بابت دمکراسی تمام و کمال پرداخت کرده ایم و سهمان از هزینه دمکراسی هم اینکه اکنون با یک دست به تایپ مشغولیم و دست دیگرمان به علت اصابت سنگ (قلوه سنگ، پاره سنگ، پاره آجر) برادران یگان ویژه به کل از کار افتاده است و علاوه بر آن امتحان فردایمان را هم احتمالاً مقصور خواهیم نمود. پس لطف کنید بقیه هزینه

های دمکراسی را خودتان پرداخت کنید که ما را حالی نیست و زین پس خنق خواهیم گرفت. شاید هم از فردا به جای ارنستو که هیچ سودی برای آدم ندارد بشویم لنون و یا اینجا یک باند مافیایی باز کنیم. و البته نمی دانیم این بلا که نازل گشت از نفرین بلا بود یا گرفتگی دل کیمیا و یا از دعای آن نجوا که امیلوار بود ما به سرنوشت چه گوارا دچار نشویم.

و یاز هم نمی دانیم که چرا اینقدر بدشانسیم. اگر قرار است سنگ بخوریم چرا به ارنجمان می خورد که دردش خواب از چشمانمان بریاید؟ یا بخورد کمی پایین تر که دردش کمتر باشد یا کمی بالاتر به سرمان بخورد که سقط شویم. و البته ما را هدف از شرکت در این اعتراضات بسیار والا بود و پس از سر دادن شعارهای: "خاتمی! خاتمی! عروسک رهبری!", "ای رهبر پینوشه! ایران شیلی نمیشه"، "خاتمی داروغه! حرفات همش دروغه!" و شکستن کبیبه شیشه های انتظامات و ... به عنوان اولین و مهم ترین خواسته خود تعویق امتحانات را طلب کردیم.

بی سنگر

<http://bisangar.blogspot.com>

سلام به همه دوستانی که بی سنگر رو قابل دوستن و میان اینجا سر میزنن. خیلی ممنون و خواهشی که دارم اینه حتمن کامنت بنارید و به من کمک کنید. به راهنماییتون نیاز دارم. کسانی که میان اینجا به یه نگاه کوتاه متوجه میشن که من بیشتر راجع به مسائل سیاسی بحث میکنم. البته هدفم اول این نبود ولی خوب تو ایران شما راجع به هر چی که بخواین بحث کنید برمیگرده به سیاست... مبارزه باید عمیق و آگاهانه (در کل سطح جامعه نه یک قشر محدود فریخته) باشه. همه باید بلونن به جای این وضع چی میخوان؟ اگه همین دانشجویهای عزیز همت کنن میشه. ما باید وسیله مبارزه رو عوض کنیم نه اینکه از اهدافمون بزینم و کوتاه بیایم.

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه
۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر
به وقت تهران
ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

برنامه رادیویی سازمان جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.
Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10
0044 776 110 66 83
0049 179 74 30 908
0046 736 50 80 40
001 416 688 5572
00905552048603
0046 70 48 68 647
0049 174 944 02 01

fax:001 416 434 154 5

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: شیوا فرمند
انگلستان: سرور ملائکه
آلمان: امید چوری
سوئد: آزاد خدری
کانادا: مهدی شهابی
ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی
مشاور دبیر: ثریا شهابی
آدرس پستی: Jawanani Postfach 620 515
10795 Berlin
Germany

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید: